

دریافت: ۹۲/۴/۲۵

تایید: ۹۲/۱۰/۲۱

## نقش ایدئولوژی آموزشی در حفظ نظام سرمایه‌داری در رمان‌های آریکس و کریک و سال سیل اثر مارگارت آتوود

سیما فرشید<sup>۱</sup>

الهه رضایی<sup>۲</sup>

### چکیده

مارگارت آتوود نویسنده‌ی مشهور کانادایی بر این باور است که در روزگار معاصر قدرت درانحصار دولت نیست، بلکه به اشکال متفاوت و از سوی نهادهای اجتماعی مختلف از جمله شرکت‌های بزرگ اقتصادی اعمال می‌شود. یکی از دغدغه‌های او توصیف نقش اساسی پیشرفت‌های علمی در جهت تقویت قدرت آن شرکت‌ها و در نتیجه تشدید جنبه‌های زیان‌بار نظام سرمایه‌داری است. این دغدغه‌ی او تاحدی شبیه دیدگاه لوئی آلتوسر درباره‌ی ایدئولوژی آموزشی است که اگر به شکل صحیح هدایت نشود، صرفاً به نردبان ترقی سرمایه‌دان بدل خواهد شد. آلتوسر معتقد است که وقتی علم به ابزاری در دست سودجویان تبدیل می‌شود، تاثیرات زیان‌باری خواهد داشت که یکی از آنها تشدید اختلاف طبقاتی است. آتوود در دو رمان *آریکس و کریک* (۲۰۰۴) و *سال سیل* (۲۰۱۰) چگونگی اعمال قدرت شرکت‌های بزرگ و پیامدهای منفی پیشرفت‌های علمی به علت کارگزاری دانشمندان در این شرکت‌ها برای تبدیل آنها به ابر قدرت‌های اقتصادی را هنرمندانه ترسیم می‌کند و پلشتی‌ها و کژی‌های حاصل از این امر را به وضوح نشان می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** ایدئولوژی، استیضاح، دولت ایدئولوژیک، روساخت، زیرساخت.

---

۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج .

پیمناگر: [sima.farshid@kiau.ac.ir](mailto:sima.farshid@kiau.ac.ir)

۲ کارشناس ارشد ادبیات انگلیسی.

پیمناگر: [elahe\\_rez@yahoo.com](mailto:elahe_rez@yahoo.com)

مارگارت آتوود نویسنده‌ی معاصر کانادایی که در سال ۱۹۳۹ دیده به جهان گشود، علاوه بر نویسندگی، در زمینه‌ی بازیگری، طنزپردازی سیاسی، نقد فرهنگی و نقد زیست بومی و همچنین دفاع از حقوق زنان نیز فعال است. او جوایز متعددی برای آثارش دریافت کرده است که از آن میان می‌توان به جایزه‌ی ادبی بوکر<sup>۳</sup> برای نوشتن رمان *آریکس و کریک*<sup>۴</sup> اشاره کرد. آتوود نویسنده‌ای متعهد است که خود را در قبال جامعه مسئول می‌داند و در آثارش مسائل مختلف اجتماعی را به تصویر می‌کشد، از جمله معضلاتی که ممکن است در آینده‌ای نه چندان دور گریبانگیر بشریت شود. یکی از دغدغه‌های اصلی او به تصویر درآوردن نقش پیشرفت‌های علمی در جهت تحکیم شرکت‌های اقتصادی و حفظ نظام سرمایه‌داری و تقویت جنبه‌های زیان بار این نظام است. او در دو رمان *آریکس و کریک* (۲۰۰۴) و *سال سیل*<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) چگونگی اعمال قدرت شرکت‌های بزرگ بر اکتشافات و اختراعات و پیامدهای منفی پیشرفت‌های علمی به علت همکاری دانشمندان در این شرکت‌ها را به تصویر می‌کشد تا نشان دهد که اگر پیشرفت‌های علمی صرفاً در خدمت تبدیل شرکت‌های بزرگ به ابر قدرت‌های اقتصادی باشد، نه تنها هیچ منفعتی عاید مردم نخواهد کرد، بلکه خطر نابودی جهان را نیز در پی دارد.

توجه آتوود به مسائلی چون معضلات سیاسی و اقتصادی و آینده‌ی بشریت رمان‌های او را به آثاری برجسته و تاثیرگذار تبدیل کرده و تاکنون منتقدان بسیاری این آثار را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. از ویژگی‌های آثار او زبان تند، کنایی و طنزآمیز آنهاست که با آن صاحبان قدرت در جوامع غربی را به باد انتقاد می‌گیرد. در دو رمان *آریکس کریک* و *سال سیل* نیز که در زمره‌ی ادبیات داستانی تفکرانگیز<sup>۶</sup> جای می‌گیرند، نهادهای ایدئولوژیک<sup>۷</sup> حافظ نظام سرمایه‌داری آماج زبان تند و انتقادی آتوود قرار گرفته است و به نظر می‌رسد که هدف او از نگارش این دو رمان آگاه کردن خوانندگان از پیامدهای منفی پیشرفت‌های علمی مهار نشده و پاگیری دولت‌های ایدئولوژیک کوچک و خطر تبدیل شدن آنها به دولت‌های بزرگ است.

جاشوا چاپلینسکی در نقدی که بر رمان *سال سیل* نوشته است، با جای دادن این رمان در زمره‌ی رمان‌های هشداردهنده<sup>۸</sup> می‌گوید که آتوود با نگارش این رمان در مورد فعالیت‌های مهارنشده‌ی شرکت‌های بزرگ و همچنین «علم در مقام وحی منزل» به خوانندگان هشدار می‌دهد (۲۰۰۹). فیونا تولان<sup>۹</sup> هم به نقل از کریشنان کومار به طنز «نوع قدیمی ویران شهر» اشاره می‌کند تا به بیان این نکته بپردازد که شرکت‌های بزرگی که در رمان *آریکس کریک* به مردم نوید زندگی در آرمان شهر آینده را می‌دهند، نه تنها زندگی فعلی‌شان را مختل می‌کنند، بلکه آرمان شهر موعودشان در نهایت ویران شهری بیش نیست که در آن «زندگی عادی گذشته همچون زندگی

3. Booker Prize

4. *Oryx and Crake*

5. *The Year of Flood*

6. Speculative Fiction

7. Ideological Institutions

8. Cautionary Novel

9. Fiona Tolan

آرمان شهری می‌نماید» (۱۴۶). هاولز نیز در مقاله‌ی «بینش ویران شهری مارگارت آتوود در رمان‌های داستان ندیمه و آریکس و کریک»<sup>۱۰</sup> اظهار می‌دارد که آرمان شهر به تصویر درآمده در این رمان‌ها «شکست خورده» است و به همین علت «راویان داستان به ضدیت با آن می‌پردازند» (۱۶۱) که متأسفانه تلاش‌شان بی‌نتیجه می‌ماند و فقط می‌توانند زندگی خود را نجات دهند.

مسئله‌ی دیگری که توجه بسیاری از منتقدان را به خود جلب کرده، تعارض علم و هنر در این دو رمان است. رابرت ویلسون<sup>۱۱</sup> در مورد جامعه‌ی ترسیم شده در رمان آریکس و کریک می‌گوید: «شرکت‌های سرمایه‌داری بر همه‌ی مبادلات بین انسان‌ها حاکم شده و همه چیز از عشق گرفته تا هنر را به کالا تبدیل کرده‌اند و ارزش آنها را با قیمت بازار تعیین می‌کنند». استفان سواين هم در مقاله‌ای تحت عنوان «هرکس پول دارد، علم دارد و هرکس علم دارد، پول دارد» می‌گوید که آتوود در این رمان به خوبی نشان می‌دهد که در جامعه‌ی ای که تنها به پیشرفت علمی و مادیات می‌اندیشد و ارزشی برای هنر قائل نیست، رفته رفته اختلاف طبقاتی شدت می‌یابد، چون از سویی کسانی که از سطح اجتماعی و فکری یکسانی برخوردارند، ترجیح می‌دهند در محیطی مشابه زندگی کنند و از سوی دیگر کارکنان شرکت‌های سرمایه‌دار از ترس تهدیدهای احتمالی مردم فرودست در یک جا سکنی می‌گزینند (۲۰۰۶).

با وجود توجه بسیاری از منتقدان به انتقادهای گزنده‌ی آتوود از دست‌اندازی سرمایه‌داران بر علم و پیامدهای مخرب آن در رمان آریکس و کریک، نگاهی به مقالات او بیانگر آن است که خوانش آلتوسری مطروحه در مقاله‌ی حاضر تاکنون از سوی کسی مطرح نشده است. نویسندگان مقاله‌ی حاضر سعی دارند با به کار بستن دیدگاه‌های لویی آلتوسر متفکر نومارکسیست فرانسوی در مورد کارکرد ایدئولوژی در جامعه‌ی سرمایه‌داری نشان دهند که آتوود با به تصویر کشیدن عواقب پیشرفت‌های علمی مهارنشده در خدمت سرمایه‌دانان و تاثیرگذاری ایدئولوژی آموزشی ایشان بر همه‌ی ارکان جامعه در دو رمان آریکس و کریک و *سال سیل* می‌کوشد نشان دهد که این ایدئولوژی تا چه حد می‌تواند در حفظ و بقای نظام سرمایه‌داری نقش ایفا کند، اختلافات طبقاتی را تشدید کند، مردم را به مصرف‌کنندگان بی‌خرد و دنباله‌روی تبلیغات رسانه‌های گروهی تبدیل کند و در نهایت موجبات ویرانی جهان را فراهم آورد.

با وجود آنکه دیدگاه آلتوسر درباره‌ی ایدئولوژی و نهادهای ایدئولوژیک متأثر از نظریه‌ی مارکس است، دیدگاه‌های این دو متفکر تفاوت آشکاری دارد. مارکس بر این باور است که اقتصاد تعیین‌کننده‌ی سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی است، اما آلتوسر معتقد است که ایدئولوژی می‌تواند بر اقتصاد تأثیر بگذارد. به نظر او شکل نظام سرمایه‌داری همچون زمان مارکس نیست و به طور کلی تغییر یافته است، چرا که در گذشته سرمایه‌داران با بیگاری کشیدن از طبقه‌ی کارگر آن را استثمار می‌کردند و گاهی نیز به زور متوسل می‌شدند، در حالی که در دنیای امروز این زورگویی شکلی دیگر به خود گرفته و زیر پوسته‌ی ایدئولوژی غالب پنهان شده است. در حال حاضر ممکن

---

10 "Margaret Atwood's dystopian visions: *The Handmaid's Tale* and *Oryx and Crake*"

11 Robert Charles Wilson

است که دولت همپای این نظام ایدئولوژیک حرکت کند و یا اینکه سرمایه‌داران، دولتی مستقل تشکیل دهند و با ایدئولوژی‌شان مردم را تحت سلطه درآورند. این بدان معناست که آن‌ها ممکن است از نیروهای امنیتی و نظامی تابع خود برخوردار باشند و از آن‌ها برای سرکوب شورش‌های کارگران - که معمولاً برای احقاق حقوق از دست رفته است - استفاده کنند، یا اینکه نیروی امنیتی ویژه تشکیل دهند تا قیام‌ها و شورش‌ها را سرکوب کنند (لنین، فلسفه و سایر مقالات<sup>۱۲</sup> ۱۴۵).

## ایدئولوژی آموزشی

آلتوسر معتقد است که خانواده به عنوان نهادی اجتماعی نقش به‌سزایی در پیشرفت و گسترش ایدئولوژی آموزشی دارد. به عبارت دیگر این ایدئولوژی ابتدا در خانواده شکل می‌گیرد و کودک را تا ورود به جامعه همراهی می‌کند، هر چند که در خانواده به شکلی وجود دارد و در جامعه به شکلی دیگر نمود پیدا می‌کند. ایدئولوژی آموزشی در خانواده در قالب امر و نهی‌های والدین رخ می‌نماید، در دستورات و تصمیماتی که به نظر والدین برای آینده‌ی فرزندشان ضروری است. برخی از این تصمیمات حتی پیش از تولد فرزند برای آینده‌ی او اتخاذ می‌شود، از همین رو آلتوسر ادعا می‌کند که ما «در ایدئولوژی به دنیا می‌آییم». ایدئولوژی آموزشی در خانواده همچنین آموزش‌هایی را شامل می‌شود که در جهت پیشبرد اهداف و آرزوهای والدین است.

ایدئولوژی آموزشی در مدرسه به اشکال دیگر نمود پیدا می‌کند. وجود مدارس غیرانتفاعی که اغلب دانش‌آموزان آن از خانواده‌های مرفه‌اند موجب می‌شود که نوع آموزشی که در این مدارس به دانش‌آموزان داده می‌شود با نحوه‌ی آموزش مدارس دولتی تفاوت داشته باشد و هزینه‌های بالایی که خانواده‌ها برای آموزش فرزندان‌شان متقبل می‌شوند، روی آینده‌ی شغلی آنها تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

در دو رمان آریکس و کریک و *سال سیل* فرزندان دانشمندان به مدارس خاص می‌روند و آموزش‌هایی که به آنها داده می‌شود، ایشان را برای ورود به عرصه‌ی علمی آماده می‌کند. پدر جیمی، دوست کریک در رمان آریکس و کریک با علم به اینکه فرزندش ضریب هوشی بالایی ندارد، صرفاً به این دلیل که می‌داند اگر جیمی هم مثل او دانشمند شود، آینده‌ی شغلی عالی و زندگی مرفه‌ای خواهد داشت، همواره مشوق او در این زمینه است و اسباب بازی فکری برایش می‌خرد. در قسمتی از رمان می‌خوانیم که «او [پدر جیمی] همیشه به او ابزاری می‌داد که با آنها کار کند و تلاش می‌کرد تا جیمی را برای کارهای عملی و تجربی آماده کند، چون معتقد بود که او حتی نمی‌تواند یک لامپ را به سرپیچ ببندد» (۳۷). یا در جای دیگری از رمان جیمی به یاد می‌آورد که همیشه والدینش روز تولدش را فراموش می‌کردند و برای آن فراموشی دلیلی می‌آوردند و روز بعد از تولدش به او هدیه‌ای می‌دادند «که اصلاً هدیه نبود. ابزار یا بازی‌های هوشی» بود (۵۰).

آموزش‌هایی که به فرزندان دانشمندان داده می‌شود، برای آماده‌سازی آنها برای ورود به عرصه‌های علمی است. ناگفته نماند که ایدئولوژیست‌ها همه‌ی این دانش‌آموزان را نمی‌پذیرند، چون در صدد جلب نیروهایی هستند که بتوانند ایدئولوژی ایشان را در آینده بسط دهند. آنها بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی دانشجویان مزایده‌ای ترتیب می‌دهند و دانشجویان را به مزایده می‌گذارند. هر شرکت علمی-پژوهشی که قیمت بالاتری را پیشنهاد دهد می‌تواند با هوش‌ترین دانشجویان را به استخدام خود در آورد. جیمی راجع به این مزایده می‌گوید: «کریک دانش آموز برتر کلاس بود و پیشنهاد موسسه‌ی واتسون-کریک برای استخدامش آنقدر بالا بود که سریع او را روی هوا قاپیدند» (۱۷۳). دانشجویان دیگر رشته‌ها به خصوص دانش‌آموختگان رشته‌ی هنر در این مزایده‌ها هیچ بختی ندارند. اگر هم بتوانند به این شرکت‌ها راه یابند، کارهای بی‌ارزشی چون کف‌سابی و کار برای شرکت‌های تبلیغاتی عایدشان می‌شود. پُل خیلییر<sup>۱۳</sup> در مقاله‌ای تحت عنوان «ویران شهر و داستان علمی-تخیلی در رمان *سال سیل* مارگارت آتوود» می‌گوید که نوابغی چون کریک «به موسسه‌ی واتسون-کریک فرستاده می‌شوند تا پیشرفت‌های بیشتری را در زمینه‌ی علمی به دست آورند، در حالی که آنهایی که همچون رِن استعداد علمی ندارند و به کالج هنر فرستاده می‌شوند، در خدمت صنعت قرار می‌گیرند و زندگی متوسط را می‌پذیرند».

یکی از راویان رمان *سال سیل* رِن<sup>۱۴</sup> است که به علت مشکلات خانوادگی و مالی مجبور می‌شود تحصیلاتش را در دانشگاه هنرِ مارتا گراهام<sup>۱۵</sup> رها کند. او در مورد آینده‌ی شغلی خودش و سایر دانش‌آموختگان این دانشگاه چنین می‌گوید: «قبل از نیمسال بهار شرکت‌های بسیاری مصاحبه‌هایی را در سالن اصلی دانشکده ترتیب می‌دهند. البته این شرکت‌ها مثل شرکت‌های علمی مهم نیستند. شرکت‌های علمی زحمت نیرو گرفتن از مارتا گراهام را به خود نمی‌دهند» (۲۹۴).

در چنین جوامعی که ایدئولوژی آموزشی قدرتی بسیار کسب کرده، همه چیز علم محور است و هنر، احساس و اخلاقیات درسایه‌ی علم محو و بی‌ارزش شده‌اند. آتوود نشان می‌دهد که جامعه‌ای که بر پایه‌ی نظام سرمایه‌داری بنا شده است، تمام ارزش‌های انسانی را زیر پا می‌گذارد و هیچ ارزشی برای هنر و دانش‌آموختگان قلمرو هنر قائل نیست. افرادی که در رشته‌های هنری (و نیز علوم انسانی) تحصیل می‌کنند، دروسی که به آنها ارائه می‌شود و مشاغلی که به آنها داده می‌شود (البته اگر داده شود) همه تحت تأثیر ایدئولوژی آموزشی مسلط بر جامعه است.

ساختمان دانشگاه هنر در مقایسه با دانشگاه علوم مخروبه‌ای بیش نیست و در مطالب مورد تدریس نیز هنر واقعی سرشار از خلاقیت و احساس به هنری عملی تبدیل می‌شود. هنر در این جامعه در خدمت نظام سرمایه‌داری و متأثر از ایدئولوژی حاکم است. جیمی در رمان *آریکس و کریک* راجع به دروس آموزشی رشته‌ی هنر

---

13 Paul Khillier

14 Ren

15 Martha Graham

می‌گوید: «چه کسی به فیلم‌سازی و هنرهای ویدئویی نیاز دارد؟ هرکس که کامپیوتر داشته باشد، می‌تواند این کارها را انجام دهد» (۱۸۸). دانش‌آموختگان این رشته‌ها اگر هم موفق به پیدا کردن شغلی شوند، هنرشان در راستای سود آفرینی برای شرکت‌هایی است که با ادعای علمی بودن شیوه‌های کارشان پول هنگفتی به دست می‌آورند.

در این جوامع علاوه بر بی‌ارزش شدن هنر، ارزش‌های انسانی و اخلاقیات نیز زیر پا گذاشته می‌شود. سود آوری صرف مدنظر صاحبان آن شرکت‌هاست که برایشان هیچ اهمیتی ندارد که سودهایشان از چه راهی به دست می‌آید. پایمال کردن حقوق دیگران و ساختن نردبان ترقی از آنان در این جامعه امری عادی است. مادر یکی از راویان *رمان سال سیل*، تویی، که در یکی از این شرکت‌ها کار می‌کند، از قربانیان یکی از شرکت‌های دارویی است. او به دلیل باور عمیقی که به تاثیر معجزه آسای داروهای آن شرکت دارد، روزانه ویتامین‌های تولیدی آنها را مصرف می‌کند، غافل از اینکه این ویتامین‌ها سمی‌اند. هدف این شرکت از سمی کردن ویتامین‌ها آن است که پس از مصرف آنها، مصرف‌کنندگانی که برای بهبودی به آنها مراجعه می‌کنند، داروی معالجه را با هزینه ای سرسام آور بخرند و بدین طریق سودآوری شرکت دوچندان شود. آنچه برای آنها ذره‌ای اهمیت ندارد، اخلاقیات و سلامت انسان‌هاست.

آتوود با به تصویر در آوردن سیاست‌های اقتصادی این شرکت‌ها نشان می‌دهد که چگونه ارزش‌های انسانی از چنین جوامعی رخت برمی‌بندد. در *رمان آریکس و کریک* می‌خوانیم که پدر و مادر جیمی که دانشمند زیست شناس‌اند، بر سر اینکه طرح‌های پژوهشی که در محل کارشان به انجام می‌رسد غیراخلاقی است، با یکدیگر درگیری لفظی دارند. مادر که مدافع حقوق مردم است، خطاب به همسرش می‌گوید: «یادت رفته که راجع به کارهایی که می‌خواستیم انجام بدیم، حرف می‌زدیم؟ راجع به اینکه زندگی را برای مردم راحت‌تر کنیم؟ نه اینکه فقط به مردمی که پول دارند فکر کنیم» (۵۷).

آتوود نیز مانند سایر نویسندگان داستان‌های علمی-تخیلی، بخش قابل ملاحظه‌ای از این دو رمان را به عملکرد دانشمندان و فعالیت‌های مرموز و عجیب آنها اختصاص داده است، فعالیت‌هایی که تا حد قابل توجهی شبیه به عملکرد که دانشمندان در کشورهای پیشرفته امروزی است. نظام سرمایه‌داری سرمایه‌ی لازم برای این فعالیت‌ها را به دانشمندان اعطا می‌کند تا در عوض سود کلانی از این بابت به دست آورد. اورسلا لگواین<sup>۱۶</sup> در مقاله‌ای درباره‌ی *رمان سال سیل* اینگونه می‌نویسد که «در این رمان نیز همچون *رمان آریکس و کریک* فن آوری در دست شرکت‌های حقوقی است و این شرکت‌ها نیز برای رشد سرمایه‌داری به این نظام خدمت می‌کنند». روزی برایدوتی<sup>۱۷</sup> هم در این باره چنین می‌گوید: «در فرهنگ معاصر مسائل ژنتیکی (مثل سلول‌های بنیادی) بانک‌های اطلاعاتی سود آورند و از این رو جنبه‌ی تجاری به خود گرفته‌اند. برای انجام این تحقیقات علمی لازم است که روی

---

16 Ursula K. Leguin  
17 Rosi Braidotti

قشر خردمند و روشنفکر همچون دانشمندان سرمایه‌گذاری کرد» (۷۰) و طبق گفته‌ی مایکل وایت<sup>۱۸</sup> «شرکت‌های بیوتکنولوژی هم محصول و هم نیاز به این محصولات را تولید می‌کنند» (۲۰۱۰).

دانشمندان عالی رتبه‌ای که آتوود در رمان‌هایش ترسیم می‌کند آنچنان قدرتمند شده‌اند که تصور می‌کنند که خدای روی زمین هستند. این تصور و همچنین نشأت‌گیری قدرت آنها از ایدئولوژی آموزشی عاقبت در هر دو رمان فاجعه‌بار می‌آورد. کریک که یکی از این دانشمندان است، به همراه چند دانشمند دیگر روی طرحی کار می‌کند که هدفش پاک‌سازی دنیا از انسان‌ها و جایگزینی آنها با آدم‌های بدوی است که قرار است در آزمایشگاه و طی مهندسی ژنتیک به وجود آیند. او قرص‌هایی را تولید می‌کند که مدعی است مصرف کنندگانش فنا ناپذیر می‌شوند، در حالی که در آنها ویروسی را جای داده است که به تدریج همه را آلوده می‌کند و از بین می‌برد. او در مورد این قضیه به جیمی می‌گوید: «اسم واحد پژوهشی من بهشت است. کاری که انجام می‌دهیم، فنا ناپذیر کردن (آدم‌ها) است» (۲۹۲). اشخاصی که ادعای این ایدئولوژیست‌ها را باور می‌کنند و قرص‌های تجویزی آنها را مصرف می‌کنند، بی‌خبرند که این کار هستی‌خودشان و کسانی را که با آنها در تماس‌اند بر باد می‌دهد.

پیروان ایدئولوژی آموزشی سعی می‌کنند مردم را مجاب کنند که این شرکت‌ها در جهت منافع ایشان گام برمی‌دارند. آنها می‌کوشند ذهن مردم را شستشو دهند و آنها را به این باور برسانند که پیشرفت علم به آنها کمک می‌کند تا جوان، شاد و فنا ناپذیر بمانند. به عبارت دیگر ادعا می‌کنند که می‌توانند شادی و جوانی را به آنها بفروشند یا بازگردانند. تبی در رمان *سال سیل* که در یکی از این شرکت‌ها به نام آنویو<sup>۱۹</sup> کار می‌کند، به یکی از این شعارهای این شرکت چنین اشاره می‌کند: «در بروشور آموزشی این شرکت به کارکنان آن آمده است که ما تنها زیبایی نمی‌فروشیم، بلکه امید نیز می‌فروشیم» (۲۶۴). شرکت‌هایی از این دست که مشتریان ساده لوح خود را فریب می‌دهند، روز به روز پول دارتر می‌شوند.

## اختلاف طبقاتی

ایدئولوژی مسلط در رمان‌های مورد بحث جامعه را به دو دسته تقسیم کرده و موجب نابودی طبقه‌ی متوسط شده است. یک دسته را شرکت‌ها و کارکنان شان تشکیل می‌دهند که سرمایه دارند و دسته‌ی دیگر از عوام تشکیل شده است. اغلب کارکنان این شرکت‌ها دانشمندان و دانش‌آموختگان رشته‌های علمی و برخی از آنها فارغ‌التحصیلان رشته‌های هنری‌اند. سودآوری بی‌حد و حصر این شرکت‌ها کارکنان آنها را مرفه کرده، در حالی که اغلب مردم روز به روز کم درآمدتر شده‌اند. لوک مک‌کیاک با اشاره به این نکته می‌گوید که فاصله‌ی بین دو طبقه در جامعه به اندازه‌ای است که آن را به دو طبقه‌ی بالا و پایین تقسیم کرده است و دیگر طبقه‌ی متوسط در جامعه وجود ندارد چراکه این قشر «بر اثر فشار اقتصادی منقرض شده است» (۲۰۱۱).

18 Michael White  
19 AnooYoo Corporation

کارکنان شرکت‌های بزرگ در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند و تمام امکانات رفاهی برایشان در نظر گرفته شده است. هیچ تماسی با مردم عادی ندارند و اگر هم نیازی به بیرون آمدن از آن محیط داشته باشند، از وسایل نقلیه‌ی انحصاری استفاده می‌کنند. پدر جیمی ساختمان‌هایی را که کارکنان شرکت‌ها در آنها زندگی می‌کنند به قلعه‌های قرون وسطی تشبیه می‌کند که زمانی در آنها اشراف‌زاده‌ها زندگی می‌کردند و از امنیت بالایی برخوردار بودند. نحوه‌ی زندگی عوام اما در این دو رمان از سنخ دیگری است. جیمی درباره‌ی زندگی آنها چنین می‌گوید: «غیر از داد و ستد هیچ چیز در حیطه‌ی زندگی آنها جالب توجه نبود، چون زندگی خردمندانه در آن جریان نداشت» (۱۹۸). کارکنان آن شرکت‌ها به عوام صرفاً به چشم مصرف‌کننده‌ی محصولاتشان نگاه می‌کنند. در این دو رمان نیروی امنیتی خاصی برای محافظت از کارکنان شرکت‌های علمی وجود دارد که کاری به حفاظت از طبقه‌ی فرودست ندارد. این امر به خوبی نشان دهنده‌ی آن است که دولت، قدرت دولتی و ابزار آن<sup>۲۰</sup> هر سه در خدمت نهادهای ایدئولوژیک‌اند و ایدئولوژی آموزشی آنقدر گسترش یافته است که اساس اقتصادی جامعه و ساختار طبقاتی آن را تعیین می‌کند. دولت و قدرت دولتی هر دو در خدمت نهادهای ایدئولوژیک‌اند و به عبارتی در آن ذوب شده‌اند. از آنجا که دولت و نهادهای ایدئولوژیک با یکدیگر متحدند، هیچ نظارتی بر اعمال غیرقانونی نهادهای ایدئولوژیک وجود ندارد، بنابراین آنها به تدریج آنقدر نیرومند می‌شوند که دولتی مستقل را تشکیل می‌دهند.

در پس نقاب این دولت ایدئولوژیک که به ظاهر در صدد برآوردن نیازهای مردم است، صرفاً گسترش نفوذ در بین مردم برای حفظ منافع خویش مطرح است. اگر دولت و نیروهای امنیتی آن بر فعالیت این شرکت‌ها نظارت می‌کردند و در خدمت آنها قرار نمی‌گرفتند، هرگز نتیجه‌ی اعمال غیرقانونی این شرکت‌ها به هلاک شدن تمام انسان‌ها در رمان *سال سیل* منجر نمی‌شد. راوی درباره‌ی دو رویی دولت ایدئولوژیک و نیروی امنیتی خصوصی آن چنین می‌گوید: «حالا که کرپ سی کرپس<sup>۲۱</sup> تنها نیروی مسلح است، چرا آشکارا فعالیت نمی‌کند، چرا به مخالفانش در موقعیت مناسب حمله‌ی هوایی نمی‌کند، چرا قانون خودکامگی را تحمیل نمی‌کند؟ حالا که دیگر آنها ارتش خصوصی خود را دارند» (۲۶۶). او در چند سطر بعد این استفهام انکاری را اینگونه پاسخ می‌دهد: «نیروی امنیتی این شرکت‌ها می‌خواهد که همچنان در نظر مردم صادق و قابل اعتماد بماند. می‌خواهد که مثل گل مروارید دوست داشتنی و مثل خرگوش ساده و بی‌تزویر به نظر بیاید» (۲۶۶).

## تأثیر روبنا بر زیربنا

به عقیده‌ی آلتوسر ایدئولوژی‌های موجود در جامعه اعم از آموزشی، فرهنگی و سیاسی تأثیر به‌سزایی بر اقتصاد و زیربنای<sup>۲۲</sup> جوامع دارد که این خود مغایر دیدگاه بنیادی مارکس است که می‌گوید شیوه‌ی تولید و زیربنای

20 State Power and State Apparatus

21 CorpSeCorps

22 Superstructure/Infrastructure



جامعه تعیین کننده و تغییر دهنده‌ی ایدئولوژی است. آلتوسر همچنین بر این باور است که رسانه‌های گروهی کمک شایانی به تداوم ایدئولوژی مسلط می‌کنند، چرا که بر آن مهر صحت می‌زنند. یکی از روش‌های اشاعه‌ی ایدئولوژی تبلیغات است که به واسطه‌ی ابزار قدرتمند رسانه‌ها بر اذهان مردم تاثیر می‌گذارد و ایشان را با ایدئولوژی غالب همسو می‌کند.

آتوود در هر دو رمان *آریکس و کریک* و *سال سیل* به خوبی نفوذ و تاثیر ایدئولوژی غالب را بر اقتصاد نشان می‌دهد. پیشرفت‌های علمی در هر دو رمان نه برای رفاه حال مردم، بلکه برای سودآوری شرکت‌هایی است که ایدئولوژی آموزشی را دستاویز رسیدن به اهداف خویش قرار داده‌اند. فعالیت‌های این شرکت‌ها در رمان *آریکس و کریک* به فاجعه‌ی نابودی انسان‌ها در رمان *سال سیل* منجر می‌شود. تنها چند نفری که ویروس به آنها سرایت نکرده، زنده می‌مانند. بدین طریق آتوود نشان می‌دهد که اگر علم پایه و اساس همه چیز شود، به راحتی می‌تواند اقتصاد را به نفع خود در دست گیرد و به واسطه‌ی ایدئولوژی بر مردم حکومت کند. بنابراین آنچه در این دو رمان ترسیم شده است، موید نظر آلتوسر است.

آتوود در رمان *آریکس و کریک* نشان می‌دهد که جملات فریبنده و به ظاهر درست یکی از شرکت‌های تولید کننده‌ی لوازم آرایشی-بهداشتی چگونه مردم را وادار به پذیرش ادعای آنها می‌کند. آنها مدعی‌اند که محصولات شان جوانی و زیبایی را به مردم، به ویژه به خانم‌ها بازگرداند. آریکس، دوست دختر کریک همراه جیمی در شرکت آنویو کار می‌کند. جیمی که دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی هنر است، برای پرهیز از بیکاری، مجبور شده تبلیغات این شرکت را انجام دهد. او برای تبلیغ کالاهای این شرکت باید با قابلیت‌های زبانی بازی کند تا بتواند فروش آنها را تضمین کند. جملات زیر بیانگر آن است که تا چه حد اقتصاد این جامعه تحت تاثیر ایدئولوژی است. راوی شغل جیمی را این گونه توصیف می‌کند:

کارش توصیف مبالغه آمیز محصولاتی بود که راحت‌تر از اینها می‌شد توصیف‌شان کرد. بیم و امید، ترغیب و انزجار اصول تجارت او بودند. این روزها تغییراتی هم در کارهایش می‌داد. هر از گاهی هم از کلمات من در آوردی مثل جذبه زدگی، الیافی‌ای، تاثیر گذیرانه<sup>۲۳</sup> استفاده می‌کرد. البته هرگز لو نرفت. کارفرمایانش هم دوست داشتند که آن کلمات را با حروف ریز روی بسته‌بندی محصولاتشان چاپ کنند، چون خریداران را قانع می‌کرد که آن محصولات طی فرایندی کاملاً علمی تولید شده‌اند. (۲۴۹)

آلتوسر معتقد است که نهادهای ایدئولوژیک مردم را مورد آماج ایدئولوژی قرار می‌دهند تا آنها را به پذیرش آن وادارند. این نهادها به تک تک افراد جامعه خوش آمد<sup>۲۴</sup> می‌گویند، اما تنها به این اکتفا نمی‌کنند چون

---

23 Tensicity, Fibracionous, Pheromonimal

24 Hailing the Subject, Interpellation

افرادی که این ایدئولوژی را پذیرفته اند، باید به آن وفادار بمانند، از این رو نهادهای ایدئولوژیک دائماً شرایط بقای خود را بازسازی می‌کنند.

آتوود در هر دو رمان خود کارکرد فرا واقعیت را در ابقای نظام سرمایه‌داری به تصویر درآورده است تا نشان دهد که در جامعه‌ی معاصر تا چه حد عرضه‌ی فراواقعی چیزها برای حفظ قدرت و منافع صاحبان شرکت‌های بزرگ برای سلطه بر جامعه ضروری است. این شرکت‌ها حتی مواد طبیعی یا انتزاعی را به مواد مصرفی قابل فروش تبدیل کرده‌اند و با تبلیغات وسیع خود و به نمایش گذاشتن تصاویر فراواقعی مردم را به خریدن و مصرف محصولاتشان تشویق می‌کنند تا جامعه‌ی مصرف‌گرا ابقا شود و آن‌ها بتوانند سودهای کلان به دست آورند. لوک مک‌کیاک در این باره می‌گوید که این امر یکی از نشانه‌های گذار از نظام ارباب-رعیتی به نظام سرمایه‌داری و جامعه‌ی صنعتی و مصرفی است (۲۰۱۱). جیمی در رمان *آریکس* و کریک می‌گوید که عقیده‌ی آنهایی که در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کردند در مورد سایر مردم این بود که «تنها چیز مورد علاقه‌ی این مردم خرید و فروش است: از زندگی عقلانی در آنجا خبری نیست» (۱۹۸).

توبی در رمان *سال سیل* تعریف می‌کند که چگونه آموخته است که به مشتریان بقبولاند که آزمایشگاه‌های شرکت‌ها خیلی زود پیشرفت خواهند کرد و بدین ترتیب کالاهای آنها هر روز بهتر خواهد شد. بیان چنین مطالبی موجب ترغیب مردم برای مراجعه به آنها می‌شود. از سوی دیگر موجب می‌شود که شک نکنند چرا هنوز جوانی و زیبایی پیشین یا مورد انتظارشان را به دست نیاورده‌اند. کار توبی این است که آنها را با لحنی تسکین دهنده و آرام بخش امیدوار کند. او خطاب به مشتریان می‌گوید: «آزمایشگاه‌های ما برای جوان سازی و بازگرداندن جوانی از دست رفته‌ی شما در حال تکامل‌اند، اما هنوز تکمیل نشده‌اند و در چند سال آینده به کمال خواهند رسید» (۲۶۴). آنها معتقدند که علاوه بر زیبایی، امید را نیز به مردم می‌فروشند. خرید و فروش چیزهای انتزاعی سود کلانی برای این شرکت‌ها به همراه دارد، چرا که توجه مردم را جلب می‌کند. شانون هنگن در مقاله‌ی «مارگارت آتوود و زیست بوم گرایی» درباره‌ی تبلیغاتی که در این دو رمان وصف شده چنین می‌گوید: «در این جامعه که هیچ مانعی برای سرمایه‌گذاری آزاد وجود ندارد و انسان‌ها هم نمی‌خواهد روند پا به سن گذاشتن را بپذیرند، سودهای کلانی نصیب شرکت‌هایی می‌شود که این تصور را برای مردم ایجاد می‌کنند که آنها را در برابر پیر شدن آسیب‌ناپذیر می‌کنند» (۸۲).

## نتیجه‌گیری

پیرنگ و حوادث داستانی دو رمان *آریکس* و *سال سیل* به هم پیوسته است چون فعالیت‌های به ظاهر بشردوستانه‌ی شرکت‌های علمی در رمان اول به نابودی نوع بشر در رمان دوم می‌انجامد. آتوود که در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی ریزبین و تیزبین است، آنها را با نگاهی زیرکانه و موشکافانه در این رمان‌های ویران شهری به تصویر می‌کشد. فضای حاکم بر این دو رمان سرد و دلگیر است تا خواننده را به تأمل در پذیرش

کورکورانه‌ی ایدئولوژی غالب وادارد. رمان ایدئولوژی آموزشی در رمان اول آن قدر جا افتاده و در فکر و ذهن مردم رخنه کرده است که آن را کورکورانه باور کرده و پذیرفته‌اند. این پذیرش تا آنجا پیش رفته است که هر چه علمی باشد و یا ادعا شود که از راه علمی تولید شده است، به طور حتم از سوی ایشان پذیرفته می‌شود. مردم تصور می‌کنند که علم برای رفاه حال آنهاست، غافل از آن که ایدئولوژی آموزشی سد راه این رفاه است زیرا دست‌آویز کسانی است که از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. هدف آتوود از وصف ویران شهر در این دو رمان آگاه کردن خوانندگان از توانایی بالقوه‌ی شرکت‌های بزرگ در نظام سرمایه‌داری برای تبدیل شدن به دولت‌های ایدئولوژیک و نتایج ویران بار اعتماد کورکورانه‌ی مردم به این شرکت‌هاست.

## منابع

- Althusser, Louis. *Lenin and Philosophy and Other Essays*. New York and London: NLB, 1971. Web.
- Atwood, Margaret. *Oryx and Crake*. New York: Anchor Books, 2004.
- ---. *The Year of The Flood*. New York: Anchor Books, 2010.
- Braidotti, Rosi. "Feminist epistemology after postmodernism: Critiquing science, technology and globalization." *Interdisciplinary Science Reviews*, 2007. 65-74
- Chaplinsky, Joshua. Rev. of *The Year of the Flood* by Margaret Atwood. *The Cult*. 5 Oct. 2009. Web. 25 April. 2011. <<http://chuckpalahniuk.net/reviews/the-year-of-the-flood>>.
- Hengen, Shannon. "Margaret Atwood and environmentalism." *The Cambridge Companion to Margaret Atwood*. Ed. Howells. New York: Cambridge UP, 2006. 72-85.
- Howells, Coral Ann. "Margaret Atwood's dystopian visions: *The Handmaid's Tale* and *Oryx and Crake*." *The Cambridge Companion to Margaret Atwood*. Ed. Howells. New York: Cambridge UP, 2006. 161-175.
- ---, ed. *The Cambridge Companion to Margaret Atwood*. New York: Cambridge UP, 2006.
- Khillier, Paul. "Critical Dystopia and Science Fiction in Margaret Atwood's *The Year of the Flood*." 29 Nov. 2011. Web. 10 Dec. 2013. <http://paulkhillier.wordpress.com/2011/11/29/critical-dystopia-and-science-fiction-in-margaret-atwoods-the-year-of-the-flood/>>.
- Le Guin, Ursula K. Rev. of *The Year of the Flood* by Margaret Atwood. 29 August. 2009. <<http://www.theguardian.com/books/2009/aug/29/margaret-atwood-year-of-flood>>.

- Maciak, Luke. Rev. of *The Year of the Flood* by Margaret Atwood. *Terminally Incoherent*. 7 Oct. 2011. Web. 25 Nov. 2011. <<http://www.terminally-incoherent.com/blog/2011/10/07/the-year-of-the-flood-by-margaret-atwood/>>.
- Swain, Stephen. "Whoever Has the Money Has the Science and Whoever Has the Science Has the Money." 21 Nov. 2006. Web.
- Tolan, Fiona. *Margaret Atwood: Feminism and Fiction*. New York: Cambridge UP, 2006.
- White, Michael. Rev. of *Oryx and Crake* by Margaret Atwood. *Science* 20. 9 March. 2010. Web. 4 April. 2011. <[http://www.Science20.com/adaptive\\_Complexity/Oryx\\_and\\_Crake](http://www.Science20.com/adaptive_Complexity/Oryx_and_Crake)>.
- Wilson, Robert Charles. "A Dystopia Sketched in Crayon." Rev. of *The Year of the Flood* by Margaret Atwood. *LRC*. Oct 2009. Web. 8 July. 2011. <<http://reviewcanada.ca/reviews/2009/10/01/a-dystopia-sketched-in-crayon/>>.